

حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری؛ جلوه ای از حقوق شهروندی

امیرحسین نیازپور^۱

چکیده

حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری یکی از جلوه‌های بنیادین حقوق شهروندی به شمار می‌رود. بهره‌مندی متهمان از داشتن وکیل گزینشی و رایگان در همه مرحله‌های فرآیند کیفری از جمله سبب کاهش جنبه تفتیشی فرآیند کیفری و سپری شدن دقیق و درست‌تر این مرحله‌ها می‌شود. به همین دلیل، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی از رهگذر شماری از اسناد الزام‌آور و ارشادی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای و سیاست‌گذاران جنایی ایران در پرتو مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی این حق را برای متهمان به رسمیت شناخته‌اند. با وجود این، حق یادشده در دو گستره فراملی و ملی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. در این نوشتار، جایگاه و سازوکارهای حمایت از این حق بررسی شده است.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، متهمان شهروند، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری، وکیل گزینشی، وکیل رایگان، دادرسی عادلانه.

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

درآمد

اندیشه شهروندی که برای نخستین بار با «رویکردی تفاوت‌گذار» در دولت-شهرهای یونان باستان برای کوچک شمردن سایر قومیت‌ها مطرح شد [۱۷:۲۵]، امروزه تحت تأثیر «رویکرد انسان‌مدار» به مجموعه‌ای از حق‌ها و تکلیف‌های مردم در رابطه خود با دولت تعبیر می‌شود. بدین‌سان، شهروندی رابطه‌ای دوسویه است که در پرتو آن شهروندان از یک‌سو دارای حق‌های سیاسی، اجتماعی، قضایی و... هستند و از سوی دیگر، تکلیف‌هایی را در برابر دولت بر عهده دارند [۲:۲۲۱]. بنابراین، حقوق شهروندی-به‌منزله یکی از جنبه‌های این رابطه-شامل توانایی‌ها و امتیازهایی است که از رهگذر مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی^۱ برای مردمان به رسمیت شناخته می‌شود.

حقوق شهروندی در گستره قضایی جلوه‌های متعددی دارد که یکی از بارزترین آن‌ها «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری» است [۱۹:۱۶۳]. بر اساس این حق، متهمان می‌توانند در سراسر فرآیند کیفری از حضور وکیل در کنار خود استفاده کنند، به‌گونه‌ای که در صورت ناتوانی مالی آنان، دولت مکلف است امکانات حضور وکیل رایگان را برای متهمان فراهم کند. [۱۸:۶۶] حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری بنیان‌های متعددی دارد. برای نمونه، این حق از نظر فلسفی بر «آموزه‌های عدالت

1. Supra Legislative, Legislative and infralegislative

اگر معیار تقسیم‌بندی قوانین و مقررات درجه‌ای آن‌ها باشد در این صورت می‌توان قوانین و مقررات را به سه گونه‌ی مقررات فراتقنینی (قانون اساسی)، مقررات تقنینی (قوانین عادی) و مقررات فروتقنینی (آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها) دسته‌بندی کرد. بنابراین، از یک سو قانون اساسی -که با تشریفات ویژه‌ای تدوین و بازنگری می‌شود- فراتر از قوانین و سایر مقررات قرار می‌گیرد، به‌گونه‌ای که نویسندگان قوانین عادی ملزم به رعایت اصول مندرج در این قانون هستند و از سوی دیگر آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها که معمولاً در شماری از موارد به منظور اجراء قوانین تدوین می‌شوند، فروتر از قانون اساسی و قوانین عادی جای می‌گیرند.

طبیعی»^۱ و از حیث جرم‌شناختی بر «آموزه‌های جرم‌شناسی بازپرورانه»^۲ مبتنی است. از این‌رو، متهمان در پرتو آموزه‌های فلسفی برای بهره‌مندی از دادرسی عادلانه باید بتوانند در همه مرحله‌های فرآیند کیفری و کیل داشته باشند؛ بر اساس آموزه‌های جرم‌شناختی، حضور و کیل - به‌منزله یکی از ابزارهای عدالت کیفری - در کنار متهمان سبب آموزش هنجارهای تفنینی و ارزش‌های اجتماعی به بزهکاران و در نتیجه اصلاح و تربیت آنان می‌شود [۱۲: ۲۲]. حق متهمان مبنی بر داشتن و کیل از بارزترین جلوه‌های دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی به‌شمار می‌رود [۱۷: ۳۰]. زیرا، حضور و کیل در فرآیند کیفری سبب کاسته‌شدن از اشتباه‌های قضایی و افزایش دسترسی به عدالت می‌شود [۱۴۳: ۳]. به همین دلیل، سیاست‌گذاران جنایی فراملی این حق را از رهگذر اسناد الزام‌آور و ارشادی به‌منزله یکی از هنجارهای حقوق بشری مورد شناسایی قرار داده‌اند. افزون بر این، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی با پیش‌بینی سازوکارهای غیرقراردادی و قراردادی و با رویکردی غیرقضایی و قضایی در صدد نظارت بر عملکرد دولت در زمینه اجرای درست و دقیق جلوه‌های حقوق شهروندی از جمله حق یادشده برآمده‌اند. بدین ترتیب، اسناد فراملی دولت‌ها را به شناسایی و حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن و کیل در فرآیند کیفری الزام یا راهنمایی کرده‌اند.

از این‌رو، سیاست‌گذاران ایران این حق را در مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی مورد توجه و حمایت قرار داده‌اند. با وجود این، حق یادشده در دو گستره فراملی و ملی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. بدین‌سان، در این نوشتار شناسایی حق متهمان مبنی بر داشتن و کیل در فرآیند کیفری (بند الف)، حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن و کیل در فرآیند کیفری (بند ب) بررسی می‌شود تا پاسخی برای پرسش‌های زیر فراهم شود: آیا در اسناد

1. natural justice

2. Clinical criminology

فراملی همه جلوه‌ها و جنبه‌های حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرآیند کیفری شناسایی شده است؟ آیا در گستره فراملی سازوکارهای مناسبی برای حمایت از این حق وجود دارد؟ آیا سیاست جنایی ایران در زمینه حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری با سیاست جنایی فراملی همگراست؟ آیا در نظام کیفری ایران سازوکارهای مناسبی برای حمایت از حق یادشده پیش‌بینی شده است؟ آیا مقررات تقنینی و فروتقنینی در این زمینه از مقررات فراتقنینی پیروی کرده است؟ آیا دورنمای این حق در گستره سیاست جنایی ایران مطلوب است؟

الف. شناسایی حق داشتن وکیل برای متهمان

شماری از اسناد فراملی - چه به صورت الزام‌آور و چه به صورت ارشادی - مقررات ملی حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرآیند کیفری را به رسمیت شناخته‌اند. در ادامه، بنیان‌های حق یادشده در این اسناد و مقررات بررسی می‌شوند.

۱. در گستره فراملی

در گستره جهانی، برخی از اسناد فراملی حق داشتن وکیل را برای متهمان محترم شمرده‌اند. در میان اسناد جهانی، برای نخستین بار تدوین‌کنندگان پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ میلادی)^۱ در بند ۳ ماده ۱۴ این حق را مورد توجه قرار دادند. بر اساس قسمت د بند یادشده، «متهم می‌تواند در محاکمه حاضر شود و خود یا به وسیله وکیل برگزیده‌اش از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصلحت‌های دادگستری اقتضاء نماید از سوی دادگاه برای وی یک وکیل تعیین شود، که در صورت ناتوان بودن

1. International Covenant on Civil and Political Rights

متهم از پرداخت دستمزد وکیل، این هزینه از او مطالبه نمی‌شود» [۱۰:۱۰۰]. در کنار این سند، برخی از اسناد دیگر نیز مانند پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹ میلادی)^۱ و قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه عدالت نوجوانان (۱۹۸۵ میلادی)^۲ بر حق یادشده تأکید ورزیده‌اند [۱۳:۶۲]. به موجب مواد ۴ و ۲ و قسمت ۳ بند ب ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک، دولت‌های عضو مکلف شده‌اند که حق کودکان متهم مبنی بر داشتن وکیل را «برای همه کودکانی که در گستره قضایی آن‌ها زندگی می‌کنند، بدون توجه به نژاد، رنگ، دین، زبان، اندیشه‌های سیاسی، ملیت، ویژگی‌های قومی و اجتماعی، توانایی و ناتوانی مالی و... محترم شمارند و اقدام‌های اجرایی و قانونی لازم در راستای تحقق این حق را اعمال کنند».

همچنین، حق مزبور بر اساس مواد ۲ و ۷، ۱۵ قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه عدالت نوجوانان به‌منزله یکی از تضمین‌های بنیادین دادرسی کیفری و معیارهای حداقل در زمینه عدالت کودکان یا نوجوانان بزهکار مورد توجه تدوین‌کنندگان آن قرار گرفته است. افزون بر این اسناد، بند ۲ ماده ۶۳ و بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸ میلادی)، مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ قواعد دادرسی و دلایل دیوان بین‌المللی کیفری (۲۰۰۲ میلادی) و مواد ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷ و ۷۸ آیین‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری (۲۰۰۴ میلادی) این حق را برای متهمان به جنایت‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته‌اند [۳۰۹ و ۱۱۵، ۲۴:۶۱]. حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرآیند کیفری آن‌چنان پراهمیت است که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی برای تبیین بیش‌تر آن سندی ویژه با نام اصول بنیادین نقش وکیلان را در سال ۱۹۹۰ میلادی تصویب کرده‌اند. مطابق درآمد و مواد ۵، ۶ و ۷ سند یادشده، پیش‌بینی حق متهمان مبنی بر داشتن

1. Convention on the Rights of the Child

2. U.N. Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice

وکیل برای برقراری عدالت و برابری، حمایت از حق‌های انسانی و آزادی‌های بنیادین، رفع تفاوت‌گذاری و غیره در مقررات، سیاست‌ها و رویه‌های ملی به دولت‌ها سفارش شده است.

در گستره منطقه‌ای- جغرافیایی و منطقه‌ای- دینی نیز، سیاست‌گذاران جنایی فراملی این حق را مورد توجه قرار داده‌اند. نویسندگان پیمان‌نامه آمریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸ میلادی)^۱ در قسمت هـ بند ۲ ماده ۸، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان (۱۹۸۲ میلادی)^۲ از رهگذر قسمت ج بند ۱ ماده ۷، اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰ میلادی)^۳ در بند هـ ماده ۱۹ و پیمان‌نامه اروپایی حمایت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین بشر^۴ (۲۰۰۴ میلادی)^۵ در قسمت ج بند ۳ ماده ۶ حق یادشده را زیر عنوان «حق متهمان مبنی بر بهره‌مندی از دادرسی عادلانه» گنجانده‌اند [۹۶ و ۱۵۰، ۱۱۱:۱۱۸]. این حق از نظر تدوین‌کنندگان اسناد یادشده آن‌چنان پراهمیت است که حتی برخی از آنان به‌ویژه نگارندگان پیمان‌نامه آمریکایی حقوق بشر آن را در شمار حق‌های ساقط‌نشده متهمان قرار داده و از این رهگذر بر الزام‌آور بودن حضور وکیل آنان (خواه به شکل‌گزینه‌شی و خواه به صورت رایگان) در فرآیند کیفری پافشاری کرده‌اند. بنابراین، بر پایه این اسناد، دولت‌ها موظف شده‌اند که از یک‌سو بدون توجه به ویژگی‌های نژادی، جنسیتی، دینی، سیاسی، اقتصادی و... این حق را برای همه شهروندان محترم شمارند و از سوی دیگر، با تدوین مقررات مورد نیاز در راستای اجرای آن در سطح ملی گام بردارند.

1. American Convention on Human Rights
2. African Declaration on Human and Peoples Rights
3. Islamic Declaration on Human Rights
4. Convention for Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms
۵. این پیمان‌نامه نخستین بار در سال ۱۹۵۰ میلادی تصویب شده و در سال ۲۰۰۴ میلادی بازنگری و اصلاح شد.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای نزدیک پنجاهه است که حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری را در شمار جلوه‌های حقوق شهروندی و حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه جای داده‌اند.

۲. در گستره ملی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران به حق بهره‌مندی متهمان از وکیل در مقررات فراتقنینی و شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی توجه کرده‌اند. نویسندگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ خورشیدی از رهگذر اصل ۳۵ قانون اساسی حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری را برای متهمان محترم شمرده‌اند. بر اساس این اصل، آنان می‌توانند در همه مرحله‌های فرآیند کیفری «برای خود وکیل انتخاب [کنند] و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته [باشند] باید برای [آنان] امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».^۱ در گستره مقررات تقنینی، برای نخستین بار قانون‌گذار ایرانی هنگام بازنگری قانون اصول محاکمات جزایی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی این حق را وارد پهنه این مقررات کرد [۲۳۳: ۹]. بر پایه تبصره ماده ۱۱۲ این قانون، متهمان می‌توانستند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک وکیل و به موجب ماده ۳۱۴ آن، در مرحله دادرسی حداکثر سه وکیل برای خود برگزینند. همچنین، آنان بر اساس ماده ۳۰۹ قانون مزبور حق داشتند که در صورت نداشتن توانایی مالی، از وکیل رایگان در مرحله دادرسی استفاده کنند. افزون بر این، متهمان به جرم‌های جنایی مطابق ماده ۹ قانون تشکیل محاکم جنایی (۱۳۳۷ خورشیدی) می‌توانستند در سراسر فرآیند کیفری برای خود وکیل برگزینند یا این که دادگاه در صورت معرفی‌نشدن وکیل گزینشی از سوی آنان

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: مهرپور، حسین؛ حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران؛ انتشارات اطلاعات، چاپ نخست، سال ۱۳۷۴، صص ۱۵۰ و ۱۴۹.

به تعیین وکیل رایگان مبادرت می‌ورزید [۱:۱۹۱]. این رویکرد از آن پس در تدوین سایر مقررات تقنینی مورد توجه قرار گرفته است؛ بدین شکل که، مطابق ماده‌واحد انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی (۱۳۷۰ خورشیدی)، تبصره ۲ قانون استفاده بعضی از دستگاه‌ها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی و ... (۱۳۷۴ خورشیدی)، مواد ۱۲۸، ۱۸۵ و ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، بند ۳ ماده‌واحد احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳ خورشیدی) و قسمت ز بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، متهمان می‌توانند مانند گذشته به گزینش یک وکیل در مرحله تحقیقاتی مقدماتی و چند وکیل در مرحله دادرسی مبادرت ورزند. افزون بر این، شماری از مقررات فروتقنینی نیز به این حق اشاره کرده‌اند. بر اساس ماده ۷ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب (۱۳۵۸ خورشیدی) و بندهای الف و ب ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، متهمان به بزهکاری مواد مخدر از حق گزینش وکیل یا استفاده از وکیل رایگان در مرحله دادرسی و به موجب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت و کلاء و کارگشایان دادگستری (۱۳۷۴ خورشیدی) و مطابق مواد ۳ و ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح (۱۳۷۹ خورشیدی)، همه متهمان حق بهره‌مندشدن از وکیل رایگان را در مرحله دادرسی دارند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در نظام تقنینی ایران، متهمان می‌توانند از وکیل گزینشی در همه مرحله‌های فرآیند کیفری و از وکیل رایگان فقط در مرحله دادرسی استفاده کنند تا از این رهگذر وکیل آنان در برابر دستگاه قضایی به دفاع از حقوق متهمان مبادرت ورزد [۱۹۴: ۲۹].

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی با توجه به اهمیت حقوق کودکان متهم و به منظور همگرایی با اسناد فراملی ناظر به این دسته از بزهکاران، در نظام تقنینی گذشته و امروز با رویکردی ویژه به حق آنان مبنی بر داشتن وکیل

در فرآیند کیفری نگر نیستند. در نظام تقنینی گذشته، مطابق ماده ۱۱ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار (۱۳۳۸ خورشیدی)، دادگاه در صورتی که اتهام کودکان از درجه جنایت بود، به سرپرست قانونی آنان اعلام می‌کرد که «وکیلی برای [کودکان] تعیین نموده و یا شخصاً برای دفاع در دادگاه حاضر شود. هرگاه سرپرست اقدام به تعیین وکیل [نمی‌کرد] و شخصاً نیز در دادگاه حاضر [نمی‌شد] چنانچه دادگاه مداخله وکیل را ضروری تشخیص [می‌داد] وکیل تسخیری برای [آنان] تعیین [می‌کرد]». همچنین، به موجب قسمت پایانی این ماده، دادگاه در صورت متهم‌بودن کودکان به ارتکاب جرمی از درجه جنحه و خلاف، فقط به سرپرست قانونی آنان اجازه حضور در دادگاه و دفاع از کودکان متهم را می‌داد. بنابراین، نویسندگان قانون یادشده از یک‌سو در جرم‌های جنایی حق کودکان متهم مبنی بر داشتن وکیل‌گزینی در فرآیند کیفری را به طور مطلق و این حق را در مورد بهره‌مندی از خدمات وکیل رایگان به شکل مشروط پذیرفته بودند و از سوی دیگر در جرم‌های جنحه‌ای و خلاف با حضور وکیل کودکان متهم در فرآیند کیفری مخالف بودند. در نظام تقنینی امروز، ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نقش بیش‌تری به وکیل برای کودکان متهم در فرآیند کیفری بخشیده است؛ بدین معنا که، «در هنگام رسیدگی به جرایم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد». بدین ترتیب، مطابق این ماده، کودکان متهم می‌توانند به طور مطلق از وکیل‌گزینی و رایگان در همه مرحله‌های فرآیند کیفری استفاده کنند. حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری از رهگذر مقررات فراتقنینی شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی مورد توجه قرار گرفته است. ولی، به نظر می‌رسد که فراگیرنبودن حق متهمان مبنی

بر داشتن وکیل در مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری از جمله مرحله‌های تحت نظر و انتظامی (پلیسی) [۲۱۹: ۶]، آگاه نکردن آنان از حق داشتن وکیل از سوی ضابطان دادگستری و مقام‌های قضایی، پیش‌بینی نشدن وکیل رایگان در فرآیند پیش از دادرسی، محدودبودن حق بهره‌مندی از وکیل رایگان در فرآیند دادرسی، محرومیت وکیل از دسترسی به پرونده جنایی در فرآیند پیش از دادرسی و ممنوعیت مداخله و اظهار نظر وکیل و فسادآور انگاشتن حضور وی در این مرحله از چالش‌های بنیادین حق یادشده در نظام تقنینی ایران به شمار رود.

ب. حمایت از حق داشتن وکیل برای متهمان

سیاست‌گذاران جنایی فراملی و ملی از رهگذر نهادهای نظارتی و پیش‌بینی پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری به حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری مبادرت ورزیده‌اند.

۱. در گستره فراملی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی برای تضمین رعایت جلوه‌های حقوق شهروندی مانند حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری نهادهای نظارتی حمایت‌گر و پاسخ‌های سیاسی و مدنی را پیش‌بینی کرده‌اند.

۱-۱. نهادهای نظارتی حمایت‌گر

در گستره جهانی، شماری از نهادهای فراملی - خواه در قالب سازوکارهای غیرقراردادی و خواه در چهارچوب سازوکارهای قراردادی - به حمایت از حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری می‌پردازند. نهادهای فراملی غیرقراردادی - که نهادهای فراملی عمودی نیز نامیده می‌شوند - در پرتو اقتدار سازمان ملل متحد می‌توانند بر عملکرد دولت‌ها در زمینه اجرای درست و دقیق جلوه‌های حقوق شهروندی نظارت کنند. به دیگر سخن، این نهادها

خارج از توافق دولت‌ها از رهگذر پیمان‌نامه‌ها به بررسی رفتار آن‌ها در زمینه نقض حق‌های یادشده مبادرت می‌ورزند [۱۱۰: ۱۱۲]. بنابراین، سیاست‌گذاران جنایی فراملی با پیش‌بینی نهادهایی مانند شورای اقتصادی و اجتماعی (فصل دهم منشور ملل متحد) و شورای حقوق بشر در صدد ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و کمک به تحقق حق‌های انسانی، آزادی‌های بنیادین و احترام به حقوق شهروندی برآمده‌اند.

در کنار این نهادها، شمار دیگری از نهادهای فراملی با رویکردی قراردادی و به شکل افقی به نظارت بر مقررات، سیاست‌ها و رویه دولت‌ها در زمینه حقوق شهروندی از جمله حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری می‌پردازند. بر این اساس، دولت‌های عضو پیمان‌نامه‌ها در پرتو توافق‌های انجام‌شده نهادی را برای حمایت از اجرای مفاد آن پیش‌بینی می‌کنند [۸۵: ۲۳].

بدین‌سان، دولت‌های عضو پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ میلادی) از رهگذر مواد ۲۸ و ۴۰ کمیته حقوق بشر^۱ و پیوستگان به پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹ میلادی) در ماده ۴۳ «کمیته حقوق کودک» را برای نظارت بر عملکرد دولت‌های عضو در زمینه رعایت تعهدهای خود در برابر پیمان‌نامه‌های یادشده - مانند حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری - پیش‌بینی کرده‌اند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی با رویکردی غیرقضایی و از رهگذر سازوکارهای غیرقراردادی یا قراردادی زمینه‌های حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل را در فرآیند کیفری در گستره جهانی فراهم کرده‌اند.

سیاست‌گذاران جنایی فراملی در گستره منطقه‌ای با ایجاد نهادهای قضایی امکان نظارت بر رفتار دولت‌ها را درباره تحقق جلوه‌های حقوق

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: متین دفتری، احمد؛ حقوق بشر و حمایت‌های بین‌المللی آن؛ انتشارات بهمن، چاپ نخست، ۱۳۴۸، صص ۳۲-۲۰.

شهروندی ایجاد کرده‌اند. در منطقه اروپا، نویسندگان پیمان‌نامه اروپایی حمایت از حقا و آزادی‌های بنیادین بشر (۱۹۹۴ میلادی) با بازنگری در این سند دیوان اروپایی حقوق بشر را به منظور تضمین رعایت تعهدهای ناشی از این پیمان‌نامه - مانند حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرآیند کیفری - پیش‌بینی کرده‌اند [۸:۲۱۲].

در منطقه آمریکا، تدوین‌کنندگان پیمان‌نامه آمریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸ میلادی) در قسمت دوم این سند کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر را به‌منزله نهادهای حمایت‌گر از تعهدهای دولت‌های عضو این پیمان‌نامه برشمرده‌اند. نهادهای یادشده بر اساس شماری از مواد پیمان‌نامه‌های مزبور موظف شده‌اند که در زمینه آگاه‌سازی دولت‌ها در زمینه حقوق انسانی، دریافت گزارش از دولت‌های عضو در راستای اجرای تعهدها از جمله تعهدهای مربوط به حقوق شهروندی و رسیدگی به شکایت‌ها فعالیت کنند [۴۸:۲۱].

بدین‌سان، سیاست‌گذاران جنایی دو منطقه اروپا و آمریکا از رهگذر نهادهای قضایی از حق متهمان مبنی بر داشتن از وکیل در فرآیند کیفری پشتیبانی کرده‌اند.

در منطقه آفریقا، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی با پیش‌بینی کمیسیون و دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردمان از رهگذر بخش دوم منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان (۱۹۸۲ میلادی) زمینه‌های حمایت قضایی از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل را در فرآیند کیفری فراهم ساخته‌اند. بنابراین، حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری در گستره منطقه‌ای نیز از سوی نهادهایی که به این منظور تأسیس شده‌اند، مورد حمایت قرار گرفته است. بدین ترتیب، سیاست‌گذاران جنایی فراملی منطقه‌ای با پیش‌بینی نهاد قضایی در سطح منطقه‌های یادشده، از یک‌سو نظارت بر رعایت حقوق شهروندی از جمله حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری و از سوی دیگر واکنش نسبت به نقض‌کنندگان این حق‌ها را مورد نظر قرار داده‌اند.

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی از رهگذر شماری از نهادهای قضایی و غیرقضایی به نظارت بر اجرای حقوق متهمان در فرآیند کیفری از جمله حق داشتن وکیل اشاره کرده‌اند. با وجود این، به نظر می‌رسد که سازوکارهای نظارتی - به‌ویژه سازوکارهای قضایی - نسبت به اجرای درست و دقیق حق یادشده به شکل فراگیر پیش‌بینی نشده‌اند. زیرا، بر اساس اسناد فراملی، نظارت قضایی بر عملکرد دولت‌ها در این زمینه تنها در شماری از منطقه‌ها مانند اروپا انجام می‌پذیرد، در حالی که در منطقه‌ای مانند آسیا نظارتی بر سیاست‌ها، رویه‌ها و مقررات دولت‌های این منطقه درباره اجرای این حق مزبور صورت نمی‌گیرد. بنابراین، حمایت قضایی از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری به شکلی غیرفراگیر و فقط در برخی از منطقه‌ها مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی فراملی واقع شده است.

۱-۲. پیش‌بینی ضمانت اجرا

۱-۲-۱. ضمانت اجرای مدنی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی فراملی منطقه‌ای در راستای حمایت از جلوه‌های حقوق متهمان از جمله حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری ضمانت اجرای مدنی را پیش‌بینی کرده‌اند. بدین‌سان، بر اساس ماده ۴۱ پیمان‌نامه اروپایی حمایت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین بشر (۲۰۰۴ میلادی)، مواد ۲۵ و ۶۳ پیمان‌نامه آمریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸ میلادی) و مواد ۲۴ و ۲۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردمان (۱۹۸۲ میلادی)، نهادهای قضایی منطقه‌ای می‌توانند در صورتی که دولت‌ها این حق را نقض کنند، آن‌ها را به پرداخت خسارت عادلانه محکوم کنند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که در گستره منطقه‌ای نقض این حق از سوی دولت‌ها با پاسخ مدنی روبه‌رو می‌شود.

۲-۲-۲. ضمانت اجرای سیاسی

سیاست‌گذاران جنایی فراملی جهانی ضمانت اجرای سیاسی را برای

حمایت از حق یادشده در نظر گرفته‌اند. از این‌رو، نهادهای نظارتی حمایت‌گر مطابق شماری از اسناد جهانی از جمله پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در صورت دریافت گزارش نقض حقوق شهروندی از سوی دولت‌ها در صدد تنظیم و صدور اعلامیه، قطعنامه و مواردی مانند این برمی‌آیند. این‌گونه پاسخ‌دهی با برانگیختن قضاوت افکار عمومی فراملی نسبت به دولت‌ها، آن‌ها را به اجرای درست و دقیق این حق وامی‌دارد.

تصمیم‌گیرندگان سیاست‌جنایی فراملی با وجود این‌که در شماری از اسناد جهانی و منطقه‌ای به پیش‌بینی ضمانت‌اجرای سیاسی و مدنی برای نادیده انگاشتن حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری مبادرت ورزیده‌اند، به نظر می‌رسد که ضمانت‌اجرای مدنی به دلیل پیش‌بینی نشدن در اسناد جهانی و نبود سند الزام‌آور منطقه‌ای در برخی منطقه‌ها مانند آسیا در همه منطقه‌ها قابلیت اعمال ندارد. از این‌رو، حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرآیند کیفری به‌درستی در گستره جهانی مورد حمایت قرار نگرفته است.

۲. در گستره ملی

در گستره تقنینی ایران، حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری از رهگذر نهادهای نظارتی حمایت‌گر و پاسخ‌های کیفری و انتظامی مورد حمایت قرار گرفته است.

۲-۱. نهادهای نظارتی حمایت‌گر

در نظام تقنینی ایران، نهادهای متعددی با رویکردی عمومی برای نظارت بر اجرای درست و دقیق مقررات فراتقنینی و تقنینی پیش‌بینی شده‌اند. از این‌رو، نهادهایی مانند هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در پرتو اصل ۱۱۳ و مصوبه رییس‌جمهور در سال ۱۳۷۶ خورشیدی^۱ و کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی به موجب اصل ۹۰ به نظارت بر عملکرد دستگاه قضایی در زمینه رعایت حقوق شهروندان - از جمله، حق متهمان مبنی بر داشتن

۱. این هیأت را رییس‌جمهور وقت در سال ۱۳۸۵ خورشیدی منحل کرد.

وکیل در فرآیند کیفری - می‌پردازند [۱۶۱: ۲۷]. با وجود این، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران در سال ۱۳۸۳ خورشیدی هنگام تدوین قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با رویکردی ویژه به حمایت از حق متهمان مبنی بر بهره‌مندی از وکیل نگریسته‌اند؛ بدین معنا که، آنان از یک‌سو این حق را فقط از جلوه‌های حقوق شهروندی برشمرده‌اند و از سوی دیگر، با تأسیس هیأت‌های نظارت مرکزی و نظارت و بازرسی در دو سطح ملی و استانی، بر حمایت از این حق تأکید کرده‌اند. هیأت نظارت مرکزی بر اساس مواد ۱ و ۲ دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون یادشده با حضور رییس قوه قضاییه و اعضای شورای معاونان این قوه موظف شده است که در سطح ملی به نظارت بر اجرای دقیق و درست قانون یادشده، شکایت از نقض‌کنندگان آن و ارائه گزارش در زمینه روند اجرای این قانون مبادرت ورزد. هیأت نظارت و بازرسی نیز بر پایه مواد ۴ و ۸ این دستورالعمل با عضویت شماری از دادرسان، نمایندگان سازمان قضایی نیروهای مسلح، سازمان بازرسی کل کشور و دادرای انتظامی قضات وظایفی از جمله بازرسی نهادهای مسؤول اجرای این قانون و رسیدگی به گزارش‌ها و شکایت‌های فرستاده‌شده را بر عهده دارد. این هیأت به موجب مواد ۱۴ و ۱۵ دستورالعمل مزبور در صورت مشاهده نقض آشکار حقوق شهروندی مانند سلب حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری، «باید بی‌درنگ موضوع را حسب مورد به قاضی دادگاه یا دادستان مربوط اعلام کند».

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که سیاست‌گذاران جنایی ایران با تأسیس این نهادها نظارت بر اجرای درست و دقیق حق بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری - به‌ویژه حق متهمان - را به‌منزله یکی از جلوه‌های حقوق شهروندی مورد توجه قرار داده‌اند.

۲-۲. پیش‌بینی ضمانت اجرا

۲-۲-۱. ضمانت اجرای کیفری

قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۷۵ خورشیدی با تدوین بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی به حمایت کیفری از حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری مبادرت ورزیده است. مطابق ماده ۵۷۰ این قانون، هرگاه یکی از «مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش‌ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». بنابراین، اگر هر یک از مقام‌های قضایی یا اجرایی متهمان را از حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری که یکی از حق‌های مقرر در قانون اساسی است محروم کنند، با پاسخ کیفری روبه‌رو می‌شود [۱۵۳: ۲۶].

۲-۲-۲. ضمانت اجرای مدنی

در گستره سیاست جنایی ایران، به طور مشخص برای حمایت از حق یادشده ضمانت‌اجرای مدنی پیش‌بینی نشده است. ولی، متهمان با توجه به شماری از مواد قانون مسؤولیت مدنی (۱۳۳۹ خورشیدی) می‌توانند از افراد سلب‌کننده این حق جبران خسارت مطالبه کنند. بنابراین، بر پایه مواد ۱ و ۱۱ قانون یادشده، آن دسته از مقام‌هایی «که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی» سبب سلب حق تعیین وکیل و وارد شدن خسارت (مادی یا معنوی) به متهمان شده‌اند، شخصاً مسؤول جبران خسارت‌های وارده‌اند.

۲-۲-۳. ضمانت اجرای انتظامی

سیاست‌گذاران جنایی ایران در کنار دیگر گونه‌های حمایت از حق یادشده با پیش‌بینی پاسخ‌های انتظامی در شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی از آن حمایت کرده‌اند. از این‌رو، بر اساس تبصره ۲ ماده‌واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی (۱۳۷۰ خورشیدی)، «هرگاه به تشخیص

دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از [متهمان] سلب نماید ... برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم انفصال از شغل قضایی می‌باشد». همچنین، مطابق بند ۲ ماده ۷۸ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال قانون وکلای دادگستری (۱۳۳۴ خورشیدی)، اگر یکی از وکیلان دادگستری «دفاع از متهمین را که از طرف دادگاه‌ها در حدود قانون و نظامات به ایشان ارجاع می‌شود...» به درستی انجام ندهد، به مجازات انتظامی درجه ۳ محکوم می‌شود. بنابراین، ملاحظه می‌شود که در نظام تقنینی ایران، از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل گزینشی و رایگان در فرآیند کیفری از رهگذر ضمانت‌اجراهای انتظامی حمایت شده است.

۴-۲-۲. ضمانت اجرای بطلان

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران در نظام کیفری گذشته در راستای حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل، ضمانت‌اجرای بطلان را پیش‌بینی کرده بودند. بر پایه ماده ۳۶۸ قانون اصول محاکمات جزایی (۱۲۹۰ خورشیدی)، «سلب حق تعیین وکیل مدافع از متهم باعث بطلان حکم [می‌شد]». در نظام کیفری امروز، این سیاست که نقش مؤثری در احقاق حق متهمان و دسترسی آنان به دادرسی عادلانه ایفاء می‌کند، تا سال ۱۳۷۰ خورشیدی مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار نگرفت تا این که در آن سال با تصویب ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا برای سلب این حق ضمانت اجرای بطلان پیش‌بینی شد. بدین ترتیب، سلب حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری سبب بطلان حکم صادر شده می‌شود.

نتیجه‌گیری

حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری از رهگذر شماری از اسناد فراملی به‌منزله یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حقوق شهروندی و تضمین‌های دادرسی عادلانه به رسمیت شناخته شده است. تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران

نیز نزدیک پنجاهه است که این حق را از رهگذر مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی وارد پهنه سیاست جنایی کرده‌اند. این حق در گستره فراملی و ملی با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که برای رفع آن باید راهکارهایی ارائه شود.

الف. راهکارهای ناظر به گستره فراملی

۱. تأسیس نهاد نظارتی قضایی در گستره جهانی

نظارت قضایی یکی از مؤثرترین سازوکارهای حمایت از جلوه‌های حقوق شهروندی به شمار می‌رود. از این‌رو، سیاست‌گذاران جنایی برخی از منطقه‌ها مانند اروپا به تأسیس نهاد نظارتی قضایی برای حمایت از حق‌های متهمان در فرآیند کیفری از جمله این حق اقدام کرده‌اند. ولی، به دلیل نبود نهاد یادشده در همه منطقه‌ها مانند آسیا، به نظر می‌رسد که تأسیس نهاد نظارتی قضایی در گستره جهانی می‌تواند در حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری نقش بسزایی ایفاء کند.^۱ بدین ترتیب، ایجاد یک نهاد قضایی مستقل مانند دیوان اروپایی حقوق بشر در گستره جهانی برای رسیدگی به شکایت شهروندان از جمله متهمان در زمینه نقض حق‌های آنان در فرآیند کیفری می‌تواند تا اندازه بسیاری بر بهبود وضعیت دادرسی عادلانه مؤثر باشد؛

۲. پیش‌بینی ضمانت اجرای حقوقی در گستره جهانی

شماری از اسناد منطقه‌ای مانند آفریقا برای نقض حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری از سوی دولت‌ها ضمانت اجرای حقوقی را پیش‌بینی کرده‌اند. ولی، این ضمانت اجرا به دلیل پیش‌بینی نشدن در برخی از منطقه‌ها مانند آسیا فراگیر نیست. بدین سان، بازنگری در سیاست جنایی فراملی و پیش‌بینی این ضمانت اجرا و اجرای آن از سوی نهاد قضایی جهانی موجب می‌شود که از یک سو دولت‌ها بیش‌تر در صدد اجرای حقوق شهروندی برآیند و از سوی

۱. برخی تأسیس نهاد نظارتی قضایی در گستره جهانی یا در شماری از منطقه‌ها را به دلیل زمینه‌های متفاوت فرهنگی، اجتماعی و غیره ناممکن می‌پندارند [۲۰: ۲۴۶].

دیگر، شهروندان با دریافت خسارت ناشی از نقض این حق تا اندازه‌ای آرامش خاطر پیدا کنند؛

۳. تأسیس نهاد نظارتی جامعوی در گستره جهانی

نهادهای جامعوی فراملی در شماری از اسناد فراملی از جمله منشور ملل متحد (۱۹۴۵ میلادی) مورد توجه قرار گرفته‌اند. این نهادها بر پایه ماده ۷۱ منشور یادشده مکلف شده‌اند که در راستای دفاع از آزادی، حق‌های انسانی و اقدام‌های بشردوستانه اقدام کنند. به همین منظور، نهادهایی مانند «سازمان عفو بین‌المللی»، «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ» و «کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان» از دهه ۵۰ میلادی برای دفاع از حقوق زندانیان، بررسی وضعیت حقوق اسیران و مجرمان سیاسی تأسیس شده‌اند [۲۹:۷۲]. ولی، در این میان، نهاد ویژه‌ای برای نظارت بر حقوق شهروندان در فرآیند کیفری مشاهده نمی‌شود. بنابراین، تأسیس این نهاد در گستره جهانی می‌تواند بر بهبود عملکرد دولت‌ها در زمینه ایجاد امکانات مناسب برای حق شهروندان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری تأثیرگذار باشد.

ب. راهکارهای ناظر به گستره ملی

۱. لزوم اعلام حق داشتن وکیل به متهمان

حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری یکی مهم‌ترین ابزارهای دفاعی و تضمین‌های دادرسی عادلانه به شمار می‌رود. آگاه بودن متهمان از حق داشتن وکیل در احقاق حق آنان و اجرای عدالت نقش بسزایی را ایفاء می‌کند [۱۵:۱۲۸]. به همین دلیل، شماری از قانون‌گذاران آگاه‌سازی متهمان از این حق را در شمار وظایف ضابطان دادگستری و مقام‌های قضایی گنجانده‌اند. در نظام کیفری گذشته و امروز ایران، این الزام برای دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری پیش‌بینی نشده است. ولی، تدوین‌کنندگان «لایحه قانون

حقوق شهروندی و تأسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی^۱ در ماده ۹۰ و نویسندگان «لایحه قانون آیین دادرسی کیفری»^۲ در مواد ۵-۱۱۱، ۲۱-۱۲۱، ۲۵-۱۲۲ و ۲۳-۱۲۵ دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری را مکلف کرده‌اند که متهمان را از حق داشتن وکیل در فرآیند کیفری آگاه کنند؛

۲. حضور آزادانه وکیل گزینشی در همه مرحله‌های فرآیند کیفری

قانون‌گذار ایرانی در قانون اصول محاکمات جزایی (۱۲۹۰ خورشیدی) به شکل مطلق حضور متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی را پذیرفته بود؛ به گونه‌ای که، بر اساس تبصره ماده ۱۱۲ این قانون، «وکیل متهم نمی‌توانست در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر از وکلاء دادگستری را همراه خود داشته باشد...». ولی، این نگرش با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) (۱۳۷۸ خورشیدی) تا اندازه بسیاری دستخوش تغییر شده است. بر پایه این تبصره، «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود». این اقدام قانون‌گذار که به نوبه خود یک نوآوری انگاشته می‌شود، از یک سو با فسادآور شمردن حضور وکیل در فرآیند پیش از دادرسی و بیگانه انگاشتن وی به انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی (۱۳۷۰ خورشیدی) در مورد هم شأن بودن وکیل با دادرسی انجامیده و از سوی دیگر با وابسته کردن حضور وکیل متهمان بزهکاری‌های امنیتی به اجازه مقام قضایی، تا اندازه‌ای به سوی تفتیشی شدن فرآیند کیفری و در نتیجه افزایش احتمال نقض حق آنان گرایش پیدا کرده است [۲۵:۱۲۰]. با وجود این، به نظر می‌رسد که با توجه به نگرش تدوین‌کنندگان «لایحه قانون آیین دادرسی کیفری» در ماده ۲۳-۱۲۵،

۱. این لایحه را دفتر پژوهش‌ها و اطلاع‌رسانی نهاد ریاست جمهوری تدوین کرده و هم‌اکنون - آذر ۱۳۸۶ خورشیدی - در هیأت دولت مورد بررسی است.

۲. این لایحه را معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه تدوین کرده و هم‌اکنون - آذر ۱۳۸۶ خورشیدی - در هیأت دولت مورد بررسی است.

حضور وکیل متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی با چالش‌های کم‌تری در آینده روبه‌رو باشد. زیرا، بر پایه این ماده، متهمان می‌توانند به شکل مطلق در مرحله یادشده «یک نفر وکیل رسمی دادگستری همراه خود داشته [باشند]»؛

۳. حق داشتن وکیل رایگان در همه مرحله‌های فرآیند کیفری

شماری از متهمان برای گزینش وکیل در فرآیند پیش از دادرسی توانایی مالی مناسب ندارند. از این‌رو، برخی از سیاست‌گذاران جنایی با توجه به اهمیت ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی، حق آنان مبنی بر داشتن وکیل رایگان را به رسمیت شناخته‌اند. تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران در نظام تقنینی پیشین این حق را در مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی پیش‌بینی نکرده بودند. ولی، در نظام تقنینی کنونی، سیاست‌های متفاوتی اتخاذ شده است؛ بدین شکل که، از یک سو خبرگان قانون اساسی در پرتو اصل سی و پنجم و نویسندگان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳ خورشیدی) در قسمت ۷ بند ۱۳۰ ماده ۱۳۰ به حضور وکیل و تهیه امکانات تعیین وکیل رایگان برای متهمان در همه مرحله‌های فرآیند کیفری از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره کرده [۱۶:۷۵۲] و از سوی دیگر، تدوین‌کنندگان مقررات تقنینی با وجود تدوین مقررات متعدد - به‌ویژه قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) (۱۳۷۸ خورشیدی) - فقط به حضور وکیل گزینشی متهمان در این مرحله توجه کرده‌اند. بدین‌سان، قانون‌گذار ایرانی بدون توجه به اصل یادشده، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل رایگان را در مرحله مزبور نادیده انگاشته است [۵: ۱۹۶].

و دادرسان نیز به پیروی از قانون‌گذار بر محروم کردن آنان از این حق بنیادین تأکید می‌کند. این در حالی است که تدوین‌کنندگان «لایحه قانون حقوق شهروندی و تأسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی» به دلیل تأثیر حضور وکیل بر شکل‌گیری پرونده جنایی و تعیین سرنوشت قضایی در پرتو تبصره ۲ ماده ۹۰ و نویسندگان «لایحه قانون آیین دادرسی کیفری» از رهگذر ماده

۱۳-۱۳۳ همین رویکرد را پذیرفته‌اند. همچنین، نگارندگان «لایحه رسیدگی به جرم‌های اطفال و نوجوانان» در ماده ۲۱ این حق را تنها در مورد کودکان متهم به جرم‌های سنگین محترم شمرده‌اند بنابراین، پیش‌بینی حق متهمان و توان مالی مبنی بر داشتن وکیل رایگان در فرآیند پیش از دادرسی با آموزه‌های دادرسی عادلانه سازگارتر است؛

۴. محترم شمردن حق دسترسی وکیل به پرونده جنایی و اظهارنظر

حق متهمان یا وکیل آنان مبنی بر دسترسی به پرونده جنایی از مهم‌ترین آثار فرض بی‌گناهی و از بارزترین جلوه‌های دادرسی عادلانه به شمار می‌رود [۲۷۹: ۱۴]. این حق سبب می‌شود که متهمان یا وکیل آنان با آگاهی از چستی پرونده جنایی به گونه‌ای مناسب تدابیر دفاعی لازم را اتخاذ کنند [۳۵۴: ۴]. از این‌رو، در نظام کیفری گذشته، بر پایه ماده ۳۲۶ قانون اصول محاکمات جزایی سال ۱۲۹۰ خورشیدی، وکیل متهمان با مراجعه به دادگاه می‌توانست از اظهارنظرهای دادستان و شاکی آگاهی‌های لازم را به دست آورد. بدین‌سان، وکیل متهمان بدون وجود مانعی دارای حق دسترسی به پرونده جنایی بود. ولی، با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸ خورشیدی)، این حق از رهگذر ماده ۱۹۰ تا اندازه بسیاری متزلزل شده است. بر پایه این ماده، وکیل متهمان «در مواردی که تحقیقات تکمیل و برای انجام محاکمه وقت تعیین شده باشد [می‌تواند] پیش از شروع محاکمه به دفتر دادگاه مراجعه و از محتویات پرونده اطلاعات لازم را تحصیل [کند]». پیدا است که وکیل آنان به موجب این ماده از حق دسترسی به پرونده جنایی محروم شده است. زیرا، او تنها پس از پایان یافتن تحقیقات مقدماتی و تعیین وقت برای رسیدگی و صدور رأی می‌تواند از محتویات پرونده جنایی آگاه شود. نویسندگان «لایحه قانون آیین دادرسی کیفری» نیز با پیروی از «رویکرد امنیت‌مدار» بر محرومیت متهمان یا وکیل آنان در زمینه دسترسی به پرونده جنایی و ممنوع بودن در مداخله و اظهارنظر بیش از گذشته پافشاری

کرده‌اند؛ زیرا در مواد ۲۳-۲۴ و ۱۲۵-۲۴ از یک‌سو مانند گذشته تنها حق مطالعه پرونده جنایی و اظهارنظر تشریفاتی در فرآیند پیش از دادرسی را برای وکیل متهمان به رسمیت شناخته و از سوی دیگر، صدور قرار عدم دسترسی به پرونده جنایی از سوی بازپرس - که به نوبه خود یک نوآوری انگاشته می‌شود - را پیش‌بینی کرده‌اند. بدین‌سان، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران همواره وکیل متهمان - که می‌تواند با آگاهی از چیستی پرونده جنایی، آزادانه در راستای دلیل‌آوری و اثبات بی‌گناهی اقدام کند [۸۱: ۷] را بیگانه انگاشته و تفتیشی‌بودن فرآیند کیفری را بر رعایت حق‌های دفاعی متهمان در این فرآیند مقدم می‌شمارند.

فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود؛ **آیین دادرسی کیفری**؛ جلد دوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۲. آشوری، داریوش؛ **دانشنامه سیاسی**؛ انتشارات مروارید، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴.
۳. آشوری، محمد؛ **عدالت کیفری**؛ انتشارات گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۸۶.
۴. آشوری، محمد؛ **مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر**؛ در: **حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت**، انتشارات گرایش، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۵. آقای جنت مکان، حسین؛ **حق دفاع متهم**؛ تحدید یا توسعه، مجله کانون وکلاء، شماره ۱۹۲ و ۱۹۳، ۱۳۸۵.
۶. اردبیلی، محمدعلی؛ **نگهداری تحت نظر با در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)**، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۷. اردبیلی، محمدعلی؛ **تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، ۱۳۸۵.

۸. ارفعی (عالیه) و دیگران، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ نخست، ۱۳۷۲.
۹. امیدی (جلیل) و دکتر آشوری، حقوق دفاعی متهم، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۱۰. امیر ارجمند، اردشیر؛ مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر؛ جلد نخست، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۱۱. امیر ارجمند، اردشیر؛ مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر؛ جلد دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۸۵.
۱۲. ذاکریان، مهدی، حقوق بشر در هزاره جدید؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۱۳. خواجه نوری، یاسمن؛ تحولات سیاست جنایی ایران پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
۱۴. شاملو، باقر؛ اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی؛ در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۱۵. شجاع، مهدی؛ اصول حاکم بر رسیدگی قبل از محاکمه در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۲.
۱۶. صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، بررسی عناوین قانون اساسی ایران؛ انتشارات اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۶۴.
۱۷. فالکس، کیث؛ شهروندی؛ مترج دلفروز، محمدتقی؛ انتشارات کویر، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۱۸. قاری سید فاطمی، سید محمد؛ حقوق بشر در جهان معاصر؛ جلد نخست، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۱۹. قربانزاده، حسین؛ حفظ حقوق شهروندی در پرتو اصول حاکم بر دادرسی منصفانه؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.
۲۰. قربانی، علی؛ بررسی رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه؛ پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۲۱. کیهانلو، فاطمه؛ نگاهی اجمالی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و اسناد مکمل آن، در: حقوق بشر و چشم‌اندازها؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۲۲. گلدوست جویباری، رجب؛ جزوه آیین دادرسی کیفری (۱)، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.
۲۳. گلشن پژوه، محمودرضا؛ سازمان‌های غیردولتی: ابزارهای کارآمد ارتقای حقوق بشر، در: حقوق بشر و چشم‌اندازها؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۲۴. محمدی نسل، غلام‌رضا؛ مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، انتشارات دادگستر؛ چاپ نخست، ۱۳۸۵.
۲۵. محمودی جانکی، فیروز؛ حق دفاع متهم؛ در: علوم جنایی (گزیده مقالات آموزش برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر)، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
۲۶. مسعودی مقام، اسدالله؛ مطالعه تطبیقی حقوق متهم در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
۲۷. موثق، آناهیتا؛ حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی؛ پایان‌نامه کارشناسی

- ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۰.
۲۸. هاشمی، سیدمحمد؛ بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ در: حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۲۹. هاشمی، سیدمحمد؛ حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.
30. Lawyers Committee for Human Rights, What is Fair Trial?, New York, 2000.